

رویکردها و گونه‌های معناشناسی قرآن کریم / دستاوردهای ریشه‌شناسی

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی گفت: اگر می‌خواهیم مشتقات و ریشه‌های یک واژه را استخراج کنیم، ابتدا باید تمام کاربردهای ریشه را احصاء کنیم و سپس روابط مفهومی واژه‌ها را استخراج کنیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی گفت: اگر می‌خواهیم مشتقات و ریشه‌های یک واژه را استخراج کنیم، ابتدا باید تمام کاربردهای ریشه را احصاء کنیم و سپس روابط مفهومی واژه‌ها را استخراج کنیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، پنجمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی نمایشگاه بین‌المللی قرآن با عنوان «رویکردها و گونه‌های معناشناسی قرآن کریم»؛ شامگاه روز شنبه، ۵ خرداد با سخنرانی محمدرضا خوانین‌زاده، استادیار دانشگاه خوارزمی، مریم قاسم احمد، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و سمیه طاهری، برگزار شد.

پیش از برگزاری نشست نیز مهدیه کسای‌زاده، دانش‌آموخته دکتری عرفان اسلامی و نگارنده کتاب «امتداد زندگی (جستاری در پیام منزل)» توضیحاتی ارائه داد.

کسای‌زاده درباره کتاب خود گفت: در این کتاب این بحث مطرح می‌شود که آیا انسان فقط به عنوان کاشف زندگی می‌تواند زندگی‌اش را معنادار کند؟ نقش ارادی و فعال دارد یا اینکه منفعل است؟ در فصل چهارم کتاب به این مسئله پرداخته‌ایم، در جایی که بررسی می‌شود چرا آفرینش آسمان‌ها و زمین بزرگتر از آفرینش انسان است یا اینکه در اینجا ما باید جهان و آسمان و زمین را به مثابه ظرفی تلقی کنیم و انسان را مظلوم تا بتوانیم این نسبت را معنادار ببینیم یا خیر. وقتی بررسی می‌کنیم متوجه یک نسبت ارادی بین انسان و جهان می‌شویم و از خلال آن در می‌یابیم انسان چگونه می‌تواند زندگی خود را معنادار کند و ادامه زیست دهد.

وی ادامه داد: در این کتاب بحث شناخت خدا مطرح می‌شود، خدایی که به عنوان خدای متشخص یا خدای نامتشخص، آرای مختلفی را به خود اختصاص داده است، اینجا بررسی می‌شود آیا ما ناچاریم در این دوگانه قرار بگیریم، یا می‌توانیم یک تعریف بینابینی داشته باشیم. از این مسیر می‌توانیم به مفاهیمی همچون ایمان و تقوا دست پیدا کنیم. در پایان نیز یک تعریف و جمع‌بندی از معنای زندگی ارائه شده است.

پس از معرفی اثر، نوبت به نشست «رویکردها و گونه‌های معناشناسی قرآن کریم» رسید. در آغاز این نشست محمدرضا خوانین‌زاده، استادیار دانشگاه خوارزمی به ارائه بحثی پیرامون «معناشناسی ساخت‌گرا» در حوزه مفاهیم قرآن پرداخت و گفت: چرا از دانش معناشناسی استفاده می‌کنیم و مبدا ورود به مطالعه چه چیزی است، با ذکر مثالی توضیح می‌دهم، در آیه ۴ سوره مبارکه ابراهیم که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا يَلْسَنُ قَوْمِهِ»؛ بحث این است که هیچ رسول و پیامبری به او ابلاغ نمی‌شود مگر به زبان قوم او باشد، طبعاً در مورد پیامبر اسلام (ص) هم قرآن به زبان قوم نازل شده زبان قوم و مخاطبان پیامبر اهل حجاز و در منطقه جغرافیایی حجاز و بازه زمانی آن هم ابتدای قرن ۷ بوده، پس در یک منطقه و با یک زبان و یک منطقه جغرافیایی مشخص قرار داریم.

وی افزود: شناخت زبان قوم دانش زبان‌شناسی است که مطالعه علمی زبان است می‌شود یکی از زبان‌های طبیعی بشر که در دوره‌های گذشته مشخص گفت‌وگو می‌شده و کماکان گفت‌وگو می‌شود. در نگاه زبان‌شناسانه به قرآن، این آیه یکی از مبادی ورودی به بحث است.

خوانین‌زاده با بیان اینکه یکی از حوزه‌های هایی که در ذیل زبان‌شناسی مطرح می‌شود و در مطالعات قرآنی طی دهه‌های اخیر فراگیر شده معناشناسی زبان شناختی است، گفت: در دانش زبان‌شناسی یکی از حوزه‌های هایی که به آن توجه می‌شده معناشناسی است. معناشناسی روش مطالعه علمی معناست، اینکه معنا چگونه در ذهن گویشگر زبان شکل می‌گیرد رابطه معانی با هم و با واژگان چیست و فرایندهای تغییر و تحول معنایی در گذر تاریخی به چه شکل است، ذیل حوزه معناشناسی زبانی تعریف می‌شود و منظور از معناشناسی هم همین است لذا یکی از رویکردهای معناشناسانه «معناشناسی ساخت‌گرا» است.

است.

وی افزود: در اواخر قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ دانش زبان شناسی دچار تغییراتی می‌ZWNJ؛ شود که مطالعه زبان را به دو حوزه مطالعه در زمانی و هم‌ZWNJ؛ زمانی تقسیم می‌ZWNJ؛ کند و این با توجه به مبادی که درباره زبان فردی، زبان اجتماعی و تفاوت زبان با گفتار است مطرح می‌ZWNJ؛ شود. تا پیش از قرن ۲۰ رویکرد عمده در زبان شناسی، زبان شناسی تاریخی یا در زمانی بوده و بیشتر تاریخ تغییر و تحول مطرح بوده است.

به گفته خوانین‌ZWNJ؛ زاده بحثی که مطرح می‌ZWNJ؛ شود این است که اگر بخواهیم یکی از واژه‌ZWNJ؛ ها را بررسی کنیم، صرف نظر از تغییر و تحولاتی که در گذر زمان بر روی هر یک واژگان اتفاق می‌ZWNJ؛ افتد، در یک زمان مشخص یک واژه در پیوند با دیگر واژه‌ZWNJ؛ هایی است که در آن زبان به کار رفته، معنا و مفهوم یک واژه منفک و مستقل از دیگر واژه‌ZWNJ؛ های به کار رفته در آن زبان نیست.

زبان ساختاری، روابط و نظامی از درون به هم پیوسته است

وی با اشاره به تعریف جان لاینز در این‌ZWNJ؛ باره گفت: وی می‌ZWNJ؛ گوید زبان ساختاری از روابط و نظامی از درون به هم پیوسته است. مثالی که برای این بحث می‌ZWNJ؛ توان گفت؛ مثال تور است، اینکه هر واژه از واژه‌ZWNJ؛ های زبان گره‌ZWNJ؛ ای از تور هستند که وقتی می‌ZWNJ؛ خواهیم این گره را بکشیم، تمام گره‌ZWNJ؛ ها با هم حرکت می‌ZWNJ؛ کنند. یک واژه معنا و مفهوم مستقلی از دیگر واژه‌ZWNJ؛ ها ندارد.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی افزود: بحث بر سر بررسی روابط مفهومی است، یعنی روابطی که یک واژه با دیگر واژه‌ZWNJ؛ ها در آن زبان در مقطع زمانی مشخص دارد، یک روشی در بررسی روابط مفهومی است و با عنوان تحلیل مولفه‌ZWNJ؛ ای مطرح می‌ZWNJ؛ شود، به این معنا که در بررسی هر واژه به طور تئوریک می‌ZWNJ؛ توان این معنا و مفهوم را به اجزای کوچکتری تقسیم کرد. به عنوان مثال مفهوم مرد یک انسان است که جنسیت مذکر دارد و بالغ است، سه جز ریزتر معنایی در این مفهوم می‌ZWNJ؛ گنجد، در مقابل مفهوم زن را می‌ZWNJ؛ بینیم که انسان غیرمذکر و بالغ است.

روابط مفهومی ترکیبی یا همنشینی واژگان و عبارت

وی ادامه داد: روابط مفهومی در یک نگاه کلی به دو نوع رابطه تقسیم می‌ZWNJ؛ شود، نوع اول؛ رابطه مفهومی ترکیبی یا همنشینی است که در این نوع، ترکیب بین واژه‌ZWNJ؛ هایی که در یک ساخت مشخص به کار می‌ZWNJ؛ روند به وجود می‌ZWNJ؛ آید، مثل واژه «ضرب»؛ در قرآن و کاربردهای مختلف آن بسته به همنشینی با واژه‌ZWNJ؛ های دیگر معنای متفاوتی پیدا می‌ZWNJ؛ کند، یک جا در قرآن می‌ZWNJ؛ فرماید: «وَاصْرَبْ لَهُمْ مِّنَّا مِثْلًا»؛ «ضرب»؛ در کنار «مثل»؛ به کار رفته که معنای ضربه زدن و کوبیدن نیست، جایی دیگر می‌ZWNJ؛ فرماید «وَآخِرُونَ يَصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنَّا فَضْلَ اللَّهِ»؛ که «ضرب»؛ با «فِي الْأَرْضِ»؛ آمده که به معنای ضربه زدن نیست بلکه به معنای سفر کردن است و یا آیه مبارکه «إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا قَضَوْا الرِّقَابَ»؛ که در اینجا ضربه زدن با شمشیر به قصد کشتن مطرح است. این روابط که ترکیب واژه با دیگر واژه‌ZWNJ؛ ها به چشم می‌ZWNJ؛ آید روابط مفهومی ترکیبی یا همنشینی نام دارد.

رابطه مفهومی جانشینی واژگان

خوانین‌ZWNJ؛ زاده با اشاره به نوع دیگر روابط مفهومی گفت: دیگر نوع این روابط، رابطه مفهومی جانشینی است که در این نوع بین واژه‌ZWNJ؛ هایی از مقوله‌ZWNJ؛ های مختلف دستوری رابطه برقرار می‌ZWNJ؛ شود، همچون رابطه‌ZWNJ؛ ای است که بین اعضای جایگزین‌ZWNJ؛ پذیر یک مقوله دستوری برقرار می‌ZWNJ؛ شود. در مثال «من از خانه به نمایشگاه آمدم»؛ اجزای مختلفی از نهاد و گزاره و قید، ظرف زمان و مکان در این جمله وجود دارد. جای فعل آمدن چه مفاهیمی می‌ZWNJ؛ توان در این جمله به کار برد؟ بازگشتم، برگشتم و ... واژه‌ZWNJ؛ هایی که به کار می‌ZWNJ؛ رود از نوع فعل هستند. آن مفاهیمی که می‌ZWNJ؛ توانند در زبان جانشین هم شوند در این مفهوم گنجانده می‌ZWNJ؛ شوند.

وی با ذکر مثال واژه «ماء»؛ در قرآن گفت: «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا»؛ در زنجیره

همنشینی این عبارت، «ماء»؛ به معنای باران است که از آسمان نازل می‌شود و نتیجه آن رویش درختان و گیاهان و غلات و ... است. این از روابط همنشینی به دست می‌آید. شناسایی روابط جانشینی نیز به این گونه است که اگر زنجیره «ای یکسان را از قرآن استخراج کنیم که به جای واژه ماء واژه دیگری به کار رفته باشد، اما بقیه اجزای جمله یکسان باشد، آن واژه جایگزین ماء باشد. «وَيَزِلْ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا»؛ فعل یکسان است، فاعل یکسان است که هر دو فاعل خداوند است، نتیجه مشخص است، اما واژه «رها» مختلف؛ اند، در یک آیه واژه «ماء»؛ و در یک آیه واژه «رزق»؛ به کار رفته است.

حوزه معنایی نافرمانی خداوند و رابطه جانشینی واژگان

خوانین «زاده» با بیان اینکه حوزه معنایی به مجموعه مفاهیمی اطلاق می‌شود که در یک مولفه معنایی مشترک؛ اند، عنوان کرد: به طور مثال حوزه معنایی نافرمانی خدا در قرآن، مفاهیمی است که مولفه نافرمانی خدا در آن «رها» وجود دارد، حوزه معنایی گناه از جمله سیئه، اثم، خطیئه و عصیان، فاحشه و مفاهیمی از این دست، در یک مولفه معنایی مشترک؛ اند و در حوزه معنایی نافرمانی خداوند قرار می‌گیرند. اعضای یک حوزه معنایی در یک رابطه تبیینی معنایی از هم قرار دارند و می‌توانند یک رابطه جانشینی را شکل دهند.

وی ادامه داد: اگر بخواهیم نگاهی ساخت «رها» به مفاهیم قرآن داشته باشیم واژه «رزق»؛ و «فاطر»؛ را انتخاب کرده «رها»؛ ابتدا یک بررسی می‌کنیم که در زبان «رها»؛ های هم خانواده عربی و در عربی این واژه به چه معناست، آنچه که در عربی درباره «فاطر»؛ گفته شده شکافتن است و از این مفهوم نمایان شدن و آشکار شدن ساخته می‌شود و از این هم معنای خلق کردن و به وجود آوردن مطرح می‌شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی گفت: در دیگر زبان «رها»؛ های سامی هیچ یک از این واژه «رها»؛ ها برای خدا به کار نرفته و این واژه به معنای پاره کرده و شکافتن در دیگر زبان «رها»؛ ها است، اما به عنوان وصف خداوند تنها در زبان حبشی کلاسیک دیده شده و زبان شناسان تطبیقی منشا این واژه را زبان حبشی می‌دانند. صرف نظر از اینکه پیشینه واژه چیست، از منظر ساخت «رها»؛ گرایی در یک نگاه همزمانی شکل می‌گیرد. با متن قرآن که بازه زمانی مشخص دارد سر و کار داریم، زبان مشخص است و فرض می‌شود معانی و مفاهیم واژه «رها»؛ ها در کمترین تغییر و تحول هستند.

وی در پایان افزود: اولین مرحله بحث ساخت «رها»؛ گرا در حوزه مطالعات قرآنی این است که موارد مختلف کاربرد واژه را احصاء کنیم، ریشه یک واژه در زبان شناسی اسلامی عامل وجه مشترک معنایی است که در تمام ساخت «رها»؛ های واژه مفهوم اولیه وجود دارد. اگر می‌خواهیم هر کدام از مشتقات و ریشه «رها»؛ های یک واژه را استخراج کنیم، ابتدا باید تمام کاربردهای ریشه را احصاء کنیم و سپس روابط مفهومی واژه «رها»؛ ها را استخراج کنیم؛ لذا ریشه اسم فاطر که «فاطر»؛ است، کاربردهای آن باید احصاء شود.

رویکرد تاریخی به معانی واژگان قرآن کریم

در ادامه این نشست، سمیه طاهری، پژوهشگر تاریخ، به ارائه بحثی پیرامون رویکرد تاریخی به معانی واژگان قرآن کریم با بررسی ریشه شناسی واژه ارث پرداخت و گفت: معناشناسی تاریخی، شناخت معنای اولیه و معنای بعدی کلمه طی تاریخ لغت، چگونگی پیدایش و تطورات کلمه در طول تاریخ است. ریشه شناسی که شاخه «رها»؛ ای از زبان شناسی تاریخی است، یکی از رویکردهای نوین جهت مطالعه لغات و واژگان زبان است. ریشه شناسی در حوزه واژه به معنای رصد تغییرات فرم، معنا بدون ثبات لفظ یا معناست.

وی ادامه داد: در خصوص ریشه شناسی واژگان عربی به ویژه کلمات قرآن باید گفت؛ این ریشه شناسی به معنای یافتن ریشه واژه در طیفی از زبان «رها»؛ های هم خانواده یا زبان عربی است که خود جز خانواده بزرگ زبان «رها»؛ های سامی است. خانواده سامی به خانواده «رها»؛ های بزرگتر سامی حامی تعلق دارند.

طاهری افزود: تقسیم بندی «رها»؛ هایی در زبان «رها»؛ های سامی وجود دارد که آن را به سه شاخه شمال شرقی، مشتمل بر زبان اکدی دارای دو گویش بابلی و آشوری است، شاخه شمال غربی که شامل گویش «رها»؛ های عبری، آرامی، کنعانی و سوریانی است و شاخه جنوبی که شامل زبان «رها»؛ های عربی و حبشی است، این تقسیم «رها»؛ بندی به صورت «رها»؛ های مختلفی ارائه می‌شود.

وی با اشاره به ویژگی‌های دستوری و لغوی زبان‌های سامی گفت: از جمله ویژگی‌های دستوری و لغوی زبان‌های سامی می‌توان به ریشه سه حرفی کلمات، دارای دو زمان اصلی بودن افعال، تغییر دلالت به وسیله تغییر در حرکات کلمات، مشابهت در وزن‌های سامی و افعال، یکسان بودن صیغه‌های ضمائر و نحوه کاربرد آن‌ها اشاره کرد.

این پژوهشگر در پژوهشی به صورت موردی واژه ارث را با توجه به این گونه‌های مختلف بررسی کرده و در این نشست درباره این مقوله گفت: در بحث زمان شناسی تاریخی یک محور زمانی در نظر می‌گیریم که یک زمان قبل و بعد دارد که زمان اصلی t، زمان قبلی t– و زمان بعد t+ است. اگر زمان نزول قرآن را t. در نظر بگیریم، زمان قبل آن t– مشتمل بر زبان‌های سامی است و زمان t+ زبان عربی کلاسیک است که قواعد عربی شکل گرفته است. برای بررسی یک واژه در زمان t. لازم است خانواده این واژه از نظر تاریخی و ریشه شناسانه مورد بررسی قرار گیرد.

کاربردهای متنوع واژه laquo&؛ ارث raquo&؛ در قرآن

وی افزود: به عنوان مطالعه موردی واژه ارث را انتخاب کردم و علت این انتخاب هم کاربردهای متنوع و ۲۵ گانه این واژه در قرآن کریم است که این نشان می‌دهد این واژه در زمان‌های گذشته هم قابل ردیابی است، مسئله دیگر صورت صرفی متنوع این واژه است. این واژه به صورت‌های مضارع، ماضی، افعال مجرد صورت‌های مصدری به کار رفته است.

طاهری خاطرنشان کرد: در قرآن کریم با الگوی سه گانه laquo&؛ میراث zwnj&؛ گذار، میراث zwnj&؛ بر و ارث raquo&؛ مواجهیم که گاهی در قرآن میراث zwnj&؛ گذار خداوند است و گاهی میراث zwnj&؛ بر خداوند است، گاهی زنان ارث می‌زنند، گاهی بهشت ارث داده می‌شود. اما در این بحث آنچه مطرح می‌شود این است که آیا در تمام الگوهایی که در قرآن به کار برده شده آن معنایی که امروز از این واژه استفاده می‌کنیم یعنی ترکیب میت و چیزی که میت برای بستگان خود باقی می‌گذارد به کار برده می‌شود که با بررسی دیده می‌شود در خیلی جاها این الگو استفاده شده است.

به گفته این پژوهشگر، در رهگذر این ریشه شناسی به این پرسش می‌خواهیم پاسخ دهیم که آیا در قرآن کریم هم با همین نگاه می‌توانیم ببینیم و یا واژه ارث اشتراک معنوی دارد و ما می‌توانیم معنایی دیگری را قرار دهیم. اولین گام پیدا کردن ریشه صناعی آن کلمه است، واژه ارث ریشه‌های متفاوت با معنای متفاوت در زبان‌های مختلف دارد و یک طیفی از معنایی در این ریشه داریم که هر کدام در قرآن کاربرد متفاوتی دارند.

وی با اشاره به آیه laquo&؛ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ raquo&؛ و اینکه در این آیه خداوند اشاره می‌کند که زمین را صالحان به ارث می‌زنند، گفت: در کتاب مضامیر هم دقیقاً همین عبارت آمده و ارث بردن را با واژه یرشو به کار برده و می‌گوید صدیقین زمین را به ارث می‌زنند و بر آن ساکن می‌شوند.

از دستاوردهای ریشه شناسی؛ تحلیل قول لغوبین

طاهری افزود: اگر در عربی کلاسیک معنای ارث را بخواهیم بررسی کنیم، دو معنا وجود دارد، باقی ماندن شی و انتقال، دو مفهومی است که به کار رفته است. در زبان عبری طیف zwnj&؛‌های گسترده zwnj&؛ تری از معنایی وجود دارد. معنای خیلی قدیمی zwnj&؛ تر این واژه؛ مرگ، رویا و خواب است سپس معنای دادن و گرفتن، بعد از آن معنای به ارث بردن، خواستن، جانشین کردن و غصب کردن است، در شاخه آرامی، اشغال کردن، تحت مالکیت درآوردن است و در زبان سریانی تصاحب و جانشینی کردن و در زبان حبشی اشغال کردن، تحت مالکیت در آوردن و به ارث بردن مطرح است و معنای انتقال، باقی ماندن و به ارث بردن در عربی کلاسیک پیرامون این واژه مطرح می‌شود. با بررسی در ریشه‌های دیگر این واژه این نتیجه حاصل شد که معنای ابقاء معنای دقیقی برای این واژه نیست. یکی از دستاوردهای ریشه شناسی تحلیل قول لغوبین است و به ما یک ابزاری می‌دهد که می‌توانیم قول لغوی zwnj&؛‌ها را محک بزنیم.

نشست و رویکردها و گونه‌های معناشناسی قرآن کریم؛ با سخنرانی مریم قاسم احمد، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی ادامه یافت، وی با اشاره به بحث معناشناسی قومی و استفاده از داده‌های انسان‌شناسی در معناشناسی قومی با رویکرد کرامت و تحلیل داده‌های معناشناسی و کاربرد آن در قرآن با رویکرد تحلیل-منطقی اظهار کرد: بحث معناشناسی قومی وامدار اندیشه‌های همبولت آلمانی است که بعد از آن اندیشه‌های او توسعه پیدا کرد و پس از آن در دو مکتب معناشناسی قومی در آمریکا و نیز معناشناسی قومی-تاریخی در آلمان مطرح می‌شود که این مکتب با وقوع جنگ‌های جهانی خیلی بارور نشد.

وی ادامه داد: بحث کرامت در قرآن به این صورت است که معناشناسی قومی از دو مطالعه تاریخی (ریشه‌شناسی تاریخی) و مباحث انسان‌شناسی (با توجه به مطالعات زیست فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) بهره‌مند می‌شود.

وی افزود: در فرایند معناسازی ریشه‌های کرم؛ بر اساس زبان‌های متفاوت، در زبان آرامی که از زبان‌های شمالی غربی است، معنای متراکم شدن وجود دارد و در زبان عبری معنای دشت وسیع و حاصلخیز را می‌بینیم، جلوتر در زبان‌های حبشی معنای پرباران بودن و سخاوت ابرها به این معانی اضافه می‌شود و جلوتر در زبان عربی به سخاوت، شرافت، اعتبار و احترام معنا می‌شود.

عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی با بیان اینکه ظهور این معانی در این فرایند ما را به این پرسش می‌رساند که آیا این ظهور معانی می‌تواند انگیزه فرهنگی و اجتماعی داشته باشد؟ گفت: با بررسی‌های دیدگاه انسان‌شناسان بحث بخشش و سخاوت در زبان جاهلی بسیار مطرح شده و عرب عصر نزول سعی می‌کند هر چه دارد ببخشد تا به عنوان کریم شناخته شود. در بحث‌های انسان‌شناسی هم بخشش یک پدیده مهمی است، کتابی در این زمینه با عنوان (The Gift) نوشته شده که بستر و شرایطی که در آن بخشش ظهور پیدا می‌کند مطرح می‌کند.

وی افزود: در فضای عصر نزول می‌بینیم که کاملاً می‌شود به این برداشت‌ها رسید که این‌ها در آستانه نزول هم وجود داشته، انسان‌شناسان ساخت‌گرا معتقدند هر پدیده‌ای مانند پدیده بخشش به خودی خود نمی‌تواند به تنهایی مطرح شود این‌ها یک کل هستند و همه چیز از جمله سیاست، اقتصاد و فرهنگ و ... تحت الشعاع قرار می‌گیرند.

وی گفت: در عصر نزول پدیده بخشش چه جایگاهی داشته، بحث‌هایی که در این رابطه وجود دارد. در آستانه نزول قرآن رخداد بزرگی در فضای شبه جزیره می‌بینیم که به دلیل اختلافی که بین امپراطوری روم و ایران رخ می‌دهد، جاده ترانزیتی کالا از ایران به فضای دیگری منتقل می‌شود و در اثر سرد شدن روابط این جاده به عربستان منتقل و شهرهای مکه و مدینه را در بر می‌گیرد. آیات سوره قریش کاملاً به این بحث احاطه دارد، فرهنگ تجارتی که در آن منطقه شکل می‌گیرد تغییراتی در گفتمان اقتصادی آن منطقه به وجود می‌آورد.

قاسم احمد ادامه داد: بنا بر نظری که انسان‌شناسان مطرح می‌کنند، فضای مبادله در این منطقه، هدیه‌ای بوده، یعنی برای تعمیق روابط اجتماعی هدایایی داده می‌شد و خواه ناخواه در این فضا که تبادلات به صورت کالا به کالا بوده، انگیزه‌های خاصی هم مطرح نمی‌شود و بیشتر بحث تعمیق روابط مطرح است. با تغییر این گفتمان اقتصادی و تغییر مبادله هدیه‌ای به مقوله ثروت اندوزی، خواسته‌های مردم هم برای انجام این بخشش‌ها تغییر می‌کند و تلاش برای ثروت اندوزی بیشتر شکل می‌گیرد. گفتمانی در قرآن در این دوره دیده می‌شود و دعوت بسیار به دادن قرض حسن به خداوند و اینکه خداوند آن را جبران می‌کند، دیده می‌شود.

وی با بیان اینکه می‌بینیم اگر بخششی هم وجود دارد انگیزه‌های سیاسی نیز مطرح می‌شود، افزود: خداوند می‌فرماید: *جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا*؛ این بخشش‌هایی که شما می‌کردید و به واسطه آن می‌خواستید کریم نامیده شوید و برای اعتبار و قدرت آن قبیله بوده، لذا از آن‌ها می‌خواهد در این بخشش‌ها تقوای الهی داشته باشند، نه انگیزه‌های سیاسی که برای آن بخشش انجام می‌دهید. در این شرایط یک الگوی قدرت و ثروت وراثتی در فضای شبه جزیره شکل

می‌&zwj& گیرد، ریاست قبیله هم ثروت و هم قدرت&zwj& را برای او به وجود می‌&zwj& آورد و الگوی حکومتی وراثتی به اکتسابی می‌&zwj& شود، از این جهت که همه در یک رقابتی برای کسب قدرت و ثروت قرار می‌&zwj& گیرند، اینجا کسانی قدرت بیشتری خواهند یافت که ثروت بیشتری دارند. آن کسی که ثروت بیشتری به دست بیاورد، احترام و اعتبار بیشتری میان مردم می‌&zwj& تواند کسب کند و این مسئله یک انگاره شرافت را پدید می‌&zwj& آورد به این معنی که دادن هدیه می‌&zwj& تواند نباشد، اما وقتی انجام شد گیرنده بخشش باید آن را برگرداند.

قاسم احمد افزود: اگر برگرداندن انگاره پست انگاری و اطاعت نکردن را در آن&zwj& ها تقویت می‌&zwj& کند. به همین دلیل است که در قرآن روی این بحث که انگیزه بخشش&zwj& ها باید خداوند باشد بسیار تأکید شده است. در حالی که مباحث انسان شناسی ما را به اینجا می‌&zwj& رساند که این&zwj& ها بدون انگیزه&zwj& های الهی این بخشش&zwj& ها را انجام می‌&zwj& دادند.

به گفته عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی در قرآن بیشترین بسامد همنشینی «& کریم» با «& رب» است و این مفهوم به کریمی که رب است و انسان نیست بر می‌&zwj& گردد؛ «& اقرأ و ركب الکرّم»، انسان را از نیستی خلق می‌&zwj& کند و هر چه را که نمی‌&zwj& دانسته به او می‌&zwj& دهد. این همنشینی مبین این است که گفتمان قرآن می‌&zwj& خواهد این مفهوم را توسعه دهد که کرامتی که شما با قصد و غرض&zwj& های مادی دارید، در قرآن یک فضای دیگری دارد.

بیشترین میزان گیرایی کرامت بعد از «& رب»، کتاب، ملک و رسول است

وی ادامه داد: «& کرم» به دو بخش مفاهیم و مصادیق تقسیم می‌&zwj& شود، اولین بسامد آن «& رب» و پایین&zwj& ترین بسامد هم از آن بنی&zwj& آدم و زوج (گیاه) است. بحث همنشین&zwj& ها در قرآن کریم بعد از رب، رتبه&zwj& ای از کتاب، ملک و رسول هستند که بیشترین میزان گیرایی کرامت را دارند، خداوند بعد از خود این&zwj& ها را به عنوان کریم مطرح کرده و بیشترین گیرایی را در پیام پروردگار نسبت به انتقال پیام دارند.

قاسم احمد در پایان با اشاره به مولفه&zwj& های کرامت گفت: از این بحث تحلیلی می‌&zwj& توانیم به هسته کرامت در سه مولفه اشاره کنیم، اولین مولفه ربوبیت است، مولفه دیگر شرافت است، به این معنا که کسی که می‌&zwj& بخشد و نمی‌&zwj& توان این بخشش را به او برگرداند، در بالاترین مرتبه شرافت قرار دارد، این مولفه برای خداوند به اتم معنا صادق است. معنای اعطاء یا دهش که سومین مولفین کرامت است و این را در علم، ثروت و خدمتی که خداوند به انسان داده می‌&zwj& بینیم، در همه این&zwj& ها یک ارتباط دو سویه رابطه بین خداوند و جمادات و انسان&zwj& ها وجود دارد.

یادآور می‌&zwj& شود، نشست&zwj& های تخصصی دانشگاهی زیر عنوان «& روشنا» به همراه برنامه جنبی «& دیدار»، گفت&zwj& وگویی صمیمی و خودمانی با نویسندگان و مترجمان قرآن&zwj& پژوه به همت معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی در نمایشگاه قرآن امسال برگزار می‌&zwj& شود.